



سیدصمد موسوی

اشاره:

همان ابتدای پیروزی انقلاب، برای همبستگی مسلمانان علیه صهیونیسم و به فراموشی سپرده نشدن این امر، جمعه آخر ماه مبارک رمضان هر سال را به عنوان روز قدس مطرح فرمودند.

دنایای امروز شاهد رفتار خصمانه و به دور از انسانیت یهود نسبت به مسلمانان است؛ تاجایی که در هر قسمت از دنیا به مسلمانان ظلمی روا داشته می شود، می توان ردپای آنها را به وضوح مشاهده کرد.

اکنون اقدامات غیر دینی و به دور از انسانیت صهیونیستها تحولات منطقه را وارد مرحله ای حساس کرده و این مسئله را از یک بحران منطقه ای به بحرانی جهانی و بین المللی مبدل ساخته است؛ اگر چه صهیونیسم از یهود جدا است و برخی از یهودیان

یکی از بارزترین این جنایات، ظلم و ستم یهودیان صهیونیست نسبت به مسلمانان مظلوم فلسطین است که سالهاست نقل محافل سیاسی و خبری است و بنیان گذار انقلاب اسلامی ایران امام خمینی علیه السلام از

کردند، تا جایی که خداوند در قرآن، آنها را هم‌ردیف مشرکان، و دشمن‌ترین مردم نسبت به مسلمانان، معرفی می‌کند؟^۱

حسادت؛ عامل سقوط

حسادت یکی از ریشه‌های دین‌گریزی است و می‌توان آن را از شعبه‌های دنیادوستی به‌شمار آورد، تا جایی که امام صادق علیه السلام آن را ریشه کفر دانسته و فرموده است: «وَإِيَّاكُمْ أَنْ يَحْسُدَ بَعْضُكُمْ بَعْضًا فَإِنَّ الْكُفْرَ أَصْلُهُ الْحَسَدُ؛ مبادا برخی از شما نسبت به دیگری حسودی کند؛ زیرا ریشه کفر حسادت است.»^۲

قبل از بعثت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله، یهود، در انتظار ظهور پیامبری بود که آنها سیادت اجتماعی آینده خود را در سایه وی مطرح کنند؛ از اینرو به کفار می‌گفتند که در آینده نزدیک ما با قبول پیامبری خاتم بر شما پیروز

منصف؛ چه در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله و چه در دوران کنونی، بوده‌اند که با اسلام و مسلمانان منصفانه عمل می‌کردند؛ ولی در موارد زیادی این دو با هم آمیخته شده و جدایی‌شان امکان‌پذیر نبوده است.

حال این سؤال مطرح است که: چرا قوم یهود با مسلمانان دشمنی دارند؟ مگر میان این دو قوم چه گذشته است که این قدر اسلام مورد غضب یهود است؟ و در نهایت، دلیل دشمنی و ریشه عداوت یهود با اسلام چیست؟

در این نوشتار سعی شده است که دلایل برخورد یهود بنا پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله از دیدگاه قرآن مورد تحلیل و بررسی قرار گیرد و بیان شود که چگونه این قوم با وجود آنکه سالهای متمادی متظر ظهور پیامبری در حجاز بودند؛ ولی بعد از بعثت پیامبر صلی الله علیه و آله به مخالفت و دشمنی با ایشان پرداختند و با کارشکنیهای فراوان، با گسترش اسلام مقابله

۱. مائده / ۸۲.

۲. علامه مجلسی، بحار الأنوار، مؤسسة الوفاء، بیروت - لبنان، ۱۴۰۴ هـ. ق، ج ۷۸، ص ۲۱۷.

خواهیم شد؛ ولی همین که پیامبر ﷺ مبعوث شد، از پذیرش دعوت آن حضرت امتناع کردند و به بهانه جویی پرداختند؛ چنانچه قرآن کریم در این زمینه می‌فرماید: «وَلَمَّا جَاءَهُمْ كِتَابٌ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ مُصَدِّقٌ لِمَا مَعَهُمْ وَكَانُوا مِنْ قَبْلُ يَسْتَفْتِحُونَ عَلَى الَّذِينَ كَفَرُوا فَلَمَّا جَاءَهُمْ مَا عَرَفُوا كَفَرُوا بِهِ فَلَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الْكَافِرِينَ»^۱ و هنگامی که از طرف خداوند، کتابی برای آنها آمد که موافق نشانه‌هایی بود که با خود داشتند، و پیش از این، به خود نوید پیروزی بر کافران می‌دادند [که با کمک آن، بر دشمنان پیروز گردند. با این همه،] هنگامی که [این کتاب، و] پیامبری را که از قبل شناخته بودند نزد آنها آمد، به او کافر شدند. لعنت خدا بر کافران باد!

در این آیه صحنه‌ای دیگر از لجاجتها و هواپرستیهای یهود را مطرح می‌کند که آنها بر اساس

بشارتهای تورات، منتظر ظهور پیامبر بودند و حتی به همدیگر نوید پیروزی می‌دادند و یکی از دلایل اقامت آنها در مدینه این بود که آنها می‌دانستند آن شهر، محلّ هجرت پیامبر است و به همین سبب از پیش در آنجا سکنای گزیده بودند؛ ولی بعد از ظهور پیامبر اسلام ﷺ، با آنکه نشانه‌های وی را موافق با آنچه در تورات بود یافتند، کفر ورزیدند.^۲

و در آیه بعدی، علت کفر یهود را این‌گونه بیان می‌کند: «بِسْمَا اشْتَرَوْا بِهِ أَنْفُسَهُمْ أَنْ يَكْفُرُوا بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ بَنِيَّ أَنْ يُنَزِّلَ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ عَلَى مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ قَبَاءُ وَيُغْضِبَ عَلَى غَضَبٍ وَ لِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ مُهِينٌ»^۳ «ولی آنها در مقابل بهای بدی، خود را فروختند که به ناروا، به آیاتی که خدا فرستاده بود، کافر شدند. و معترض بودند، چرا

۲. تفسیر نور، قرائتی محسن، مرکز فرهنگی

درسهایی از قرآن، تهران، چاپ یازدهم، ۱۳۸۳.

ج ۱، ص ۳۴۵. به نقل از تفسیر نورالتقلین.

۳. بقره ۹۰.

غلبه خواهیم کرد؛ اما پس از مبعوث شدن آن حضرت، سخن خود را انکار کردند. «معاذ بن جبل» و «بشر بن براء» به آنان گفتند: تقوا پیشه کنید و اسلام آورید! چون خود شما در زمانی که ما مشرک بودیم، محمد صلی الله علیه و آله

را برای ما وصف می کردید و می گفتید که مبعوث خواهد شد و به واسطه او بر ما پیروز خواهید شد.

«سلام بن مشکم» یهودی گفت: کسی که از او سخن می گفتیم، محمد صلی الله علیه و آله نیست و چیزی که برای ما شناخته شده باشد، نیاورده است. در اینجا آیه ۸۹ سوره بقره نازل شد.^۲

نژاد پرستی یهود

نژاد پرستی از مهم ترین تعالیم یهود شمرده می شود؛ به گونه ای که «یهود» و «نژاد پرستی» در طول تاریخ هیچگاه از یکدیگر جدا نبوده؛ بلکه با یکدیگر پیوند عمیقی داشته اند.

خداوند به فضل خویش، بر هر کس از بندگانش بخواهد، آیات خود را نازل می کند؟ از این رو به خشمی بعد از خشمی [از سوی خدا] گرفتار شدند. و برای کافران مجازاتی خوارکننده است.»

در این زمینه گزارشهایی نیز وجود دارد که ما به دو نمونه اشاره می کنیم:

الف. وقتی بحیرا، راهب مسیحی، رسول خدا صلی الله علیه و آله را در کودکی شناخت، ابوطالب را از ادامه سفر به شام منع کرد و گفت: او را از یهود برحذر دارا چون او عرب است و یهود می خواهد پیامبر موعود از بنی اسرائیل باشد و به او حسادت می کند.^۱

ب. مورخان و مفسران به نقل از ابن عباس آورده اند که یهود، پیش از اسلام به اوس و خزرج می گفتند: به واسطه پیامبر خاتم یا موعود بر شما

۲. سیره ابن هشام، ج ۱، ص ۵۴۷، التیان، ج ۱، ص ۳۶۵، درالمنثور، ج ۱، ص ۱۹۶. به نقل از پیامبر و یهود حجاز، ص ۹۹.

۱. الطبقات الکبری، محمد بن سعد بن منیع، أبو عبدالله البصری الزهری، دار صادر، بیروت، ج ۱، ص ۱۲۳.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ هَادُوا إِن زَعَمْتُمْ أَنَّكُمْ أَوْلِيَاءُ
لِلَّهِ مِنْ دُونِ النَّاسِ فَتَمَتَّوْا الْمَوْتَ إِن كُنْتُمْ
صَادِقِينَ؛ «بگو: ای یهودیان! اگر
گمان می‌کنید که [فقط] شما دوستان
خدانید نه سایر مردم، پس آرزوی
مرگ کنید اگر راست می‌گویید [تا به
لقای محبوبتان برسید]»^۲

هنگامی که پیامبر ﷺ جمعی از
یهودیان را به دین اسلام دعوت
کردند و آنها را از مجازات خدا بیم
دادند، آنان در برابر این تهدید
حضرت ﷺ گفتند: «ما را تهدید
مکن؛ ما فرزندان خدا و دوستان او
هستیم. که اگر بر ما خشم کند،
همانند خشمی است که انسان نسبت
به فرزند خود دارد؛ یعنی به زودی
این خشم فرو می‌نشیند»^۳

این عقیده یهود که خود را نژاد
برتر می‌دانند، بر سایر عقاید آنها مانند
چتری سایه افکنده است، تا جایی که
حتی آیین حضرت موسی ﷺ را در
نژاد خود محصور ساخته‌اند و اگر
کسی از غیر نژاد یهود بخواهد این
آیین را بپذیرد، برای آنان پذیرفتنی
نیست؛ و لذا در میان ملل دیگر،
تبلیغی نداشته و ندارند و آیین یهود
را آیین انحصاری خویش دانسته‌اند.
همین وضع خاص آنها سبب شده
است که در انظار سایر ملل منفور
شوند؛ زیرا مردم دنیا کسانی را که
برای نژاد خود امتیازی قائل باشند،
هرگز دوست ندارند. و ما می‌بینیم که
اسلام با آن شدیداً مبارزه می‌کند؛
چون نژادپرستی، شعبه‌ای از شرک
است.^۱

از جمله آیاتی که نژادپرستی آنها
را تأیید می‌کند، این آیه می‌باشد: ﴿قُلْ

۱. تفسیر نمونه، ناصر مکارم شیرازی، دار الکتب
الإسلامية - تهران، چاپ اول، ۱۳۷۴ ش، ج ۱،
ص ۳۵۸.

۲. جمعه/۶

۳. مجمع البیان فی تفسیر القرآن، فضل بن حسن
طبرسی، انتشارات ناصر خسرو، تهران، چاپ
سوم، ۱۳۷۲ ش، ج ۳، ص ۲۷۲. ذیل آیه ۱۸
سوره مائد.

قَالَتِ الْيَهُودُ وَالنَّصَارَى نَحْنُ أَبْنَاءُ اللَّهِ وَأَحِبَّائُهُ؛ «یهود و نصاری گفتند: ما، فرزندان خدا و دوستان [خاص] او هستیم.»^۲ این تنها امتیاز موهومی نیست که آنها برای خود قائل شدند؛ بلکه در آیات دیگر بارها به این گونه ادعاهای آنان اشاره شده است؛ به طور مثال: در آیه ۱۱۱ سوره بقره ادعای آنها را درباره اینکه "غیر از آنان کسی داخل بهشت نمی‌شود و بهشت مخصوص یهود و نصاری است" بیان کرده و ابطال می‌نماید^۳ و در آیه ۸۰ همین سوره ادعای یهود را مبنی بر اینکه "آتش دوزخ جز ایام معدودی به آنان نمی‌رسد" ذکر نموده و آنها را سرزنش می‌کند.^۴ از آیات

۲. مائده/۱۸.

۳. ﴿وَقَالُوا لَنْ نَدْخُلَ الْجَنَّةَ إِلَّا مِمَّنْ كَانُوا هُودًا أَوْ نَصَارَى تِلْكَ آيَاتُهُمْ فَلْيُحَاجِّبُوا مَا كَانُوا يَكْفُرُونَ﴾ (صافات/۱۶).

۴. ﴿وَقَالُوا لَنْ نَسْتَنِيَ الشَّاوِرِ إِلَّا أَنَامًا مَّنْذُورَةً فَلْيَأْتِنَا بِالْحُكْمِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ أَلْبَسًا﴾ (سوره بقره/۱۱۱).

در آیاتی از قرآن کریم و منابع یهود به نژادپرستی و ادعای برتری این قوم اشاره شده است. «قوم برگزیده» عنوانی است که در تورات و تلمود فراوان به چشم می‌خورد، به گونه‌ای که مردم جهان به دو بخش اسرائیلی و غیر اسرائیلی تقسیم شده‌اند؛ «اعتقاد یهودیان به اینکه قوم برگزیده‌ای هستند، در آیین یهود مقوله‌ای اساسی است و در تلمود آمده است که: یسرائیل (بنی اسرائیل) به دانه زیتون شباهت دارد؛ چون زیتون امکان آمیختن با دیگر مواد را ندارد.»^۱

این عقیده یهود در رفتارهای آنان تبلور کرده است، تا جایی که در قرآن با ذکر نمونه‌هایی از آن به نقد و بررسی آنها پرداخته است؛ از جمله در سوره مائده به یکی از ادعاهای بی اساس و امتیازات موهومی که آنها داشته‌اند اشاره کرده، می‌گوید: ﴿وَ

۱. موسوعة اليهود، ج ۵، ص ۷۲ به نقل از پیامبر و یهود حجاز، ص ۳۷.

مورد بحث استفاده می‌شود که روح تبعیض نژادی یهود^۱ که امروزه نیز در دنیا سرچشمهٔ بدبختیهای فراوان شده است - از آن زمان در یهود بوده و آنان برای نژاد بنی اسرائیل امتیازات موهومی قایل بوده و هستند. متأسفانه همچنان آن روحیه بر آنها حاکم است و در واقع، پیدایش کشور غاصب اسرائیل نیز از همین روح نژاد پرستی است.

آنها نه فقط در این دنیا برای خود برتری قایل هستند؛ بلکه معتقدند که «این امتیازات نژادی در آخرت نیز به کمک آنها می‌شتابد و گنهکارانشان برخلاف افراد دیگر، تنها مجازات کوتاه مدت و خفیفی خواهند دید و همین پندارهای غلط، آنها را آلوده انواع جنایات، بدبختیها و سیه‌روزیها کرده است.»^۱

مسلم است که قومی با این همه ادعا و سراسر غرور، هرگز حاضر

نخواهد شد، از پیامبری تبعیت کند که از قوم و قبیلهٔ آنها نمی‌باشد.

مال اندوزی و دنیا طلبی

در تاریخ بشر، ملتی در پول پرستی و مال‌اندوزی همچون قوم یهود دیده نشده است. آنها برای به دست آوردن مال هر راهی را پیش می‌گیرند؛ گرچه با شرف و حیثیت انسانی مخالف باشد. آنها برای رسیدن به این مقصود، تمام راههای مشروع و غیر مشروع را پیموده و تا حد پرستش، با حرص و آز خاص به جمع‌آوری مال پرداخته‌اند تا جایی که حضرت عیسی بن مریم علیه السلام به آنها فرمود: «لَا تَعْبُدُوا رَيْبِيْنَ، اَللّٰهُ وَ الْمَالُ؛ دو پروردگار که عبارتند از خدا و پول را نپرستید.»^۱

علت این امر را می‌توان تفکر مادی پیروان این دین دانست که به‌جز ظاهر زندگی مادی به چیزی دیگر ایمان نداشته و زندگانی جاوید سرای دیگر، از نظر آنها مفهومی ندارد. به همین دلیل شهید مطهری می‌گوید: «یهود معتقد به معاد

۱. تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۳۲۴ و ۳۲۵.

۲. چهره یهود در قرآن، عنیف عبدالفتاح، ص ۸۱.

در سوره بقره به این مضامین اشاره دارد و می‌فرماید: «وَلْتَجِدْنَهُمْ أَخْرَصَ النَّاسِ عَلَى حَيَاةٍ وَمِنَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا يَوَدُّ أَحَدُهُمْ لَوْ يُعَمَّرَ أَلْفَ سَنَةٍ وَمَا هُوَ بِمُرْضَخٍ مِنْ الْعَذَابِ أَنْ يُعَمَّرَ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِمَا يَعْمَلُونَ»؛ «و آنها را حریص‌ترین مردم - حتی حریص‌تر از مشرکان - بر زندگی [این دنیا] خواهی یافت [تا آنجا] که هر یک از آنها آرزو دارد هزار سال عمر به او داده شود! در حالی که این عمر طولانی، او را از کيفر [الهی] باز نخواهد داشت. و خداوند به اعمال آنها بیناست.»^۱

به راستی روشن می‌شود که اگر گروهی به این دنیا دل بسته‌اند، ثروت بزرگ‌ترین معبود آنها می‌شود و با دلایل روشن نیز هدایت نخواهند شد و با تبلیغ دین مخالفت خواهند کرد و این خصلت ذاتی آنها باعث می‌شود که با هر پیامبری مخالفت ورزند و این مخالفت با پیامبر اسلام ﷺ

نیست.^۱ «ویل دورانت» نیز معتقد است که: «یهود به جهان پس از مرگ معتقد نیست و پاداش و کيفر را منحصر به زندگی دنیا می‌داند.»^۲

قرآن آنان را حریص‌ترین دنیاگراترین مردم دنیا می‌داند و می‌فرماید که: یهودیان حریص‌ترین مردمان بر زنده ماندن و برخوردار شدن از عمری طولانی هستند. آنان به هر نوع زندگی دنیوی - هر چند پست باشد - حریص و دل بسته‌اند؛ آنچنان به این دنیا دل بسته‌اند که فرد فرد یهود، خواهان عمر طولانی هزار ساله هستند؛ آنچنان که اشتیاق یهود به زندگی دنیا، حتی از مشرکان فزون‌تر است و روش و منش یهود، نمایانگر حرص شدید آنان بر زندگانی دنیا و ترس از مرگ است.^۳

۱. آشنایی با قرآن، مرتضی مطهری، انتشارات صدرا، چ سوم، ۱۳۷۷، ج ۶، ص ۲۵۹.

۲. ویل درانت، تاریخ تمدن، ج ۲، ص ۳۴۵.

۳. تفسیر راهنما، اکبر هاشمی رفسنجانی و جمعی از محققان، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی،

چاپ اول، تابستان ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۲۱۷.

شدیدتر خواهد بود؛ چرا که در آیین اسلام دنیا دوستی منشأ هر گناه و خطایی شمرده شده است؛ چنانچه امام صادق علیه السلام درباره پی آمد دنیادوستی می فرماید: «رَأْسُ كُلِّ خَطِيئَةٍ حُبُّ الدُّنْيَا؛ دنیادوستی منشأ هر خطایی است.»^۱ و یهود که در آن زمان به ثروتهای فراوانی رسیده بود، با بهانه های مختلف با پیامبر صلی الله علیه و آله به مخالفت می پرداخت.

قساوت و توحش

یکی از ویژگیهای بارز یهودیان، قساوت قلب آنهاست که باعث می شود مخالفت عادی به دشمنی و مخالفتهای علنی تبدیل شود؛ به گونه ای که عامل بسیاری از جنگها و درگیریها می شود. در منطق قرآن، قساوت قلب و خدا فراموشی، نشانه گمراهی سخت و آشکار توصیف شده و مانع پذیرش حق و تابش نور

الهی بر قلبها می باشد. کسانی که قلبشان دچار قساوت و سختی می باشد، در گمراهی شدید و آشکاری به سر می برند؛^۲ چنانچه در آیه ۲۲ سوره زمر این گونه آمده: «وَيَلُ لِقَاسِيَةِ قُلُوبِهِمْ مَنْ ذَكَرَ اللّٰهَ اَوْ تَنَكَّرَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ»؛ «وای بر آنان که قلبهایی سخت در برابر ذکر خدا دارند! آنها در گمراهی آشکاری هستند.»

«گوستاو لوبون» فرانسوی می گوید: اگر ما بنخواهیم صفات یهود را در چند کلمه خلاصه کنیم، باید بگوییم: یهود مانند انسانهایی هستند که تازه از جنگل وارد شهر شده و همیشه از صفات انسانی بی بهره بوده اند؛ چرا که همچون پست ترین مردم روی زمین زندگی می کنند.

همیشه بنی اسرائیل مردمی وحشی، سفاک و بی غیرت بوده اند، حتی در زمانی که آنها بر کشورهای خود حکومت می کردند، باز هم از

۱. الکافی، ثقة الاسلام کلینی، ۸ جلد، دار الکتب

الإسلامیة تهران، ۱۳۶۵ هـ. ش، ج ۲، ص ۳۱.

۲. تفسیر راهنما، ج ۱۶، ص ۵۷.

سخت شد همچون سنگ، یا سخت‌تر! چرا که پاره‌ای از سنگها می‌شکافتد، و از آن نهرها جاری می‌شود و پاره‌ای از آنها شکاف برمی‌دارد، و آب از آن تراوش می‌کند و پاره‌ای از خوف خدا [از فراز کوه] به زیر می‌افتد [اما دل‌های شما، نه از خوف خدا می‌تپد، و نه سرچشمه علم و دانش و عواطف انسانی است] و خداوند از اعمال شما غافل نیست.^۲

قساوت قلب و سنگدلی آنها را تاریخ در تمام اعصار و قرون خود روشن کرده است؛ برای مثال می‌توان به کشتارهای وحشیانه کودکان و زنان فلسطینی، جنایت قانا، و روستاهای دیر یاسین^۳ و بیت دراس و بسیاری دیگر اشاره کرد.

۲. بقره / ۷۴.

۳. در این جنایت فقط به صف کشاندن ۲۵ زن حامله در یک روز و به آتش کشیدن آنها و پاره کردن شکم زنان باردار، بیرون آوردن اطفال آنان و قطعه قطعه کردن آنان در مقابل چشم پدرانشان برای اثبات مدعا کافی است.

سفاکی خود دست بر نداشته‌اند و بی‌پروا وارد جنگ شده و چون از پای در می‌آمدند، به مشتی خیالات غیر انسانی و بی‌اساس پناه می‌بردند. خلاصه آنکه، میان یهود و حیوانات هیچ فرقی نمی‌توان گذاشت.^۱

قرآن این ویژگی یهود را این‌گونه ذکر می‌کند که: قلب‌های بنی اسرائیل در نتیجه لجاجتها، بهانه جویبها و عصیانگریهای آنان، علی‌رغم دریافت آیات و معجزه‌های فراوان، به سختی گرایید و از درک معارف و آیات الهی ناتوان شد که این سختی و نفوذناپذیری همانند سنگ و از آن سخت‌تر شد، آنگاه که می‌فرماید: ﴿ثُمَّ قَسَتْ قُلُوبُكُمْ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ فَهِيَ كَالْحِجَارَةِ أَوْ أَشَدُّ قَسْوَةً وَإِنَّ مِنَ الْحِجَارَةِ لَمَا يَتَفَجَّرُ مِنْهُ الْأَنْهَارُ وَإِنْ مِنْهَا لَمَا يَشْقُقُ فَيُخْرِجُ مِنْهُ الْمَاءَ وَإِنَّ مِنْهَا لَمَا يَهْبِطُ مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ﴾

«سپس دل‌های شما بعد از این واقع

۱. اليهود فی تاریخ الحضارات الاولی، ترجمه عادل، قاهره، ۱۹۵۰، ص ۵۸.

مجاهدانی را که به حمایت آنها برمی‌خاستند از دم شمشیر می‌گذراندند.^۱

از جمله پیامبرانی که به دست آنها به قتل رسیدند، یحیی و زکریا علیهم‌السلام بودند که فقط به خاطر آنکه آنها را از فحشاء و منکرات منع می‌کردند، مستحق قتل شدند؛ چنانچه می‌خواستند هارون، جانشین حضرت موسی علیه‌السلام را به قتل برسانند. و برای حضرت عیسی علیه‌السلام چوبه‌های دار نصب کردند.

در قرآن، آمده است: «تَقَدْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَارْتَمَيْنَاهُمْ إِلَى الْبَحْرِ أَنْ لَا تُعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ، فَمَا كُنْتُمْ بِمُعْذِرِينَ عَلَيْهِ»؛ «ما از بنی اسرائیل پیمان گرفتیم و رسولانی به سوی آنها فرستادیم، [ولی] هر زمان پیامبری حکمی بر خلاف هوسها و دلخواه آنها می‌آورد، عده‌ای را

نژادپرستی از مهم‌ترین تعالیم یهود شمرده می‌شود؛ به گونه‌ای که «یهود» و «نژاد پرستی» در طول تاریخ هیچگاه از یکدیگر جدا نبوده؛ بلکه با یکدیگر پیوند عمیقی داشته‌اند

در اینجا مشخص می‌شود که قومی با این همه قساوت، نه تنها به ندای حق؛ یعنی اسلام که دین رحمت است، لیبک نمی‌گوید؛ بلکه با آن مخالفت می‌کند.

روحیه ستمگری

یکی دیگر از خصوصیات یهود، روحیه ستمگری و سرکشی آنهاست؛ به طوری که تاریخ پر ماجرای یهود نشان می‌دهد آنها علاوه بر انکار آیات الهی، در کشتن پیامبران و منادیان حق، فوق‌العاده جسور بوده،

۱. تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۲۷۹.

نسبت به احکام الهی و امر و نهی خداوند خاضع نخواهند بود و همین خصلت، خود عاملی است که با اسلام - که دین عبادت و بندگی است و همه را به فروتنی و تواضع نسبت به خداوند دعوت می‌کند - مخالفت ورزند.

نتیجه:

با توجه به مباحث مطرح شده و بررسی‌ای که انجام شد، برای دشمنی یهود با دینداری، به ویژه اسلام، عواملی را می‌توان ذکر می‌کرد که هر کدام برگرفته از خصایص و ویژگی‌های خاصی از قوم یهود می‌باشد و این خصائص نسبت به پیامبر ﷺ و دین مبین اسلام شدت خاصی گرفته است. عواملی که در این مقاله به آنها پرداخته شد، عبارت‌اند از: حسادت نسبت به پیامبر ﷺ؛ نژادپرستی، مال‌اندوزی و دنیا طلبی، قساوت قلب و توحش، و روحیه ستمگری.

تکذیب می‌کردند و عده‌ای را می‌کشتند.^۱

و همچنین در آیه ۲۱ سوره آل عمران، بعد از آنکه خداوند کشتن پیامبران الهی را عملی ناحق و غیر قابل توجیه دانسته، بنی اسرائیل را قاتل پیامبران الهی و حامیان آنان معرفی نموده است و به بنی اسرائیل، به جهت قتل چهل و سه پیامبر و صد و دوازده آمر به معروف و ناهی از منکر و عده عذاب دردناک می‌دهد^۲ و می‌فرماید: ﴿إِنَّ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَيَقْتُلُونَ النَّبِيْنَ بِغَيْرِ حَقٍّ وَيَقْتُلُونَ الَّذِينَ يَأْمُرُونَ بِالْقِسْطِ مِنَ النَّاسِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ﴾؛ «کسانی که نسبت به آیات خدا کفر می‌ورزند و پیامبران را بناحق می‌کشند، و [نیز] مردمی را که امر به عدالت می‌کنند به قتل می‌رسانند، به کیفر دردناک [الهی] بشارت ده!»

افرادی با این روحیه سرکش که کشتن پیامبران الهی آنقدر برایشان راحت به نظر می‌رسد، هیچ گاه

۱. مائده / ۷۰.

۲. تفسیر راهنما، ج ۲، ص ۳۶۸ و ۳۶۹.